

## حقیقت وجود انسان چیست؟ انسان کیست؟

Mentazer Mentazer

### معنا و مفهوم حقیقی واژه انسان چیست؟

Mentazer Mentazer

انسان چیست؟ چه سؤال عجیبی! همه چند ده میلیارد نفری که تاکنون روی کره زمین زندگی کرده‌اند و همه کسانی که اکنون در نقاط مختلف این کره خاکی پراکنده‌اند، انسان هستند.

در واقع پاسخ این سؤال بستگی به این دارد که **انسان را چگونه معنا کنیم**. اگر منظورمان از انسان «موجودی راست‌قامت و ناخن‌پهن» بوده باشد، بله، همه آنها انسان‌اند. اما اگر تعریفمان از **انسان بودن** را تغییر دهیم، قطعاً این دایره تنگ‌تر می‌شود.

خیلی‌ها در طول تاریخ به این سؤال که «انسان چه موجودی است؟» پاسخ داده‌اند و هر کدام هم موافقان و مخالفانی داشته‌اند. اما این که این پاسخ‌ها چه قدر منطبق بر **حقیقت وجود انسان** بوده، نیاز به بررسی دارد. شاید پرسید کدام حقیقت؟ این حقیقت را چه کسی تعیین می‌کند؟ اصلاً بر اساس چه متر و میزانی می‌خواهیم تشخیص دهیم، کدام پاسخ درست و کدام غلط است؟ این همان موضوعی است که در این مقاله به آن خواهیم پرداخت.

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer

نزاع بر سر چیستی انسان!

بیا بید تصور کنیم، برای اولین بار است که با پدیده‌ای به نام «انسان» روبه‌رو می‌شویم و هیچ چیز درباره‌اش نمی‌دانیم. حتی از کالبد خودمان هم بیرون بیایم و از نگاه یک ناظر بیرونی به خود و جهان اطرافمان نگاه کنیم. از این منظر جهان تبدیل به مجموعه‌ای از پدیده‌های مختلف می‌شود، که یکی از آن‌ها هم انسان است.

اگر شما برای اولین بار با پدیده‌ای مواجه شوید، که نه اسمش را می‌دانید و نه کارایی‌اش را، چه می‌کنید؟ برای مثال فرض کنید به دهه 1980 میلادی برگردیم، زمانی که اولین نسل از تلفن‌های همراه با ظاهری بزرگ و حجیم ساخته و رونمایی شدند. اگر شما در آن زمان بودید و برای اولین بار این وسیله را می‌دیدید در مورد چیستی آن چه حدسی می‌زدید؟ احتمالاً گزینه‌های مختلفی به ذهنتان می‌رسید، اما در نهایت از کجا مطمئن می‌شدید که به شناخت درستی از این وسیله رسیده‌اید؟ منطقی‌ترین و عقلانی‌ترین کار در مواجهه با پدیده‌هایی که از چیستی‌شان اطلاعی نداریم، این است که به **متخصص** یا **سازنده** آن‌ها مراجعه کنیم و اغلب ما هم همین کار را می‌کنیم. البته بگذاریم از عده معدودی که برایشان فرقی نمی‌کند، از کجا و چه کسی اطلاعات بگیرند.

انسان هم یک پدیده است و مثل هر پدیده دیگری متخصص خاص خودش را دارد. **متخصصان انسان شناسی** چه کسانی هستند؟ روانشناسان؟ جامعه‌شناسان؟ باستان‌شناسان؟ زیست‌شناسان؟ فلاسفه؟ سیاسیون؟ مذهب‌یون؟ کدام یک از این گروه‌ها می‌توانند تعریف کاملی از چیستی انسان در اختیار ما بگذارند؟ ما باید پاسخ سوالاتمان را از کدامشان بگیریم؟

به گزاره‌های زیر دقت کنید:

- انسان گرگ انسان است.
- انسان از تبار میمون است.
- انسان حیوانی است متفکر.
- انسان حیوانی است ناطق.
- انسان حیوانی است ابزارساز.

- انسان جانوری سمبل ساز و نمادساز است.
- انسان موجودی است بااخلاق و آگاه.
- انسان موجودی است راست قامت و ناخن پهن.
- انسان پستانداری است دوپا و دارای یک مغز بزرگ.
- انسان موجودی است تمدن ساز و فرهنگ آفرین .

تعاریف بالا هر کدام حاصل تفکر گروهی از اندیشمندان در دوره های زمانی مختلف است، از فلاسفه و جامعه شناسان گرفته تا زیست شناسان. گاهی حتی اندیشمندان یک حوزه در مورد چیستی انسان باهم اتفاق نظر ندارند. مثلاً هر کدام از فلاسفه در عصر خود تعریف خاصی از انسان ارائه داده و گاهی چند فیلسوف باهم مناظره کرده اند و در نقد نظریات هم کتابها نوشته اند؛ اما باز هم به نتیجه نرسیده اند. جالب است بدانید این روند همچنان ادامه دارد! به عنوان مثال اندیشه **پست مدرن** که اندیشه غالب در عصر حاضر است، تعاریف جدیدی از انسان ارائه داده و حتی معتقد است، انسان پست مدرن و انسان سنتی دو ماهیت و تعریف جداگانه دارند که در این باره در مقاله کدام تعاریف از انسان نادرست است، سخن گفته ایم.

سؤال اساسی اینجا است:

چگونه ممکن است یک حقیقت واحد به نام انسان تعاریفی تا این حد متفاوت و گاهی متضاد داشته باشد؟!

این تعاریف گوناگون در مورد ماهیت انسان یکی از داستان های مشهور مولانا به نام «فیل در خانه تاریک» را به ذهن متبادر می کند شرح کامل این داستان شیرین را می توانید اینجا<sup>1</sup> بخوانید. در این داستان افرادی را می بینیم که برای اولین بار در یک اتاق تاریک با موجودی به نام فیل مواجه شده اند و از درک چیستی آن عاجزند. هر کدام از آنها فقط قسمتی از بدن فیل را لمس کرده و در نتیجه این شناخت ناقص برایشان به درکی ناقص منجر می شود. یکی معتقد است فیل مثل ناودان است،

1. <https://didarejan.com/%D8%AD%DA%A9%D8%A7%DB%8C%D8%AA-%D8%A7%D8%AE%D8%AA%D9%84%D8%A7%D9%81-%DA%A9%D8%B1%D8%AF%D9%86/>

دیگری فیل را یک بادبزنی می‌داند، سومی آن را مانند یک ستون دیده و چهارمی فیل را به تختی تشبیه می‌کند. در حالی که اگر چراغی روشن می‌کردند، می‌توانستند حقیقت را به طور کامل ببینند و دست از نزاع بردارند!

### عضلی به نام «علم پرستی»

به نظر شما چه کسی شایستگی این را دارد که در مورد ماهیت انسان نظر بدهد؟ ما چند قرن دیگر باید منتظر بمانیم، تا دانشمندان علوم مختلف بر سر حقیقت وجود انسان به وحدت آراء برسند؟ آیا اصلاً چنین زمانی فرا خواهد رسید؟ اگر هم به فرض محال چنین اتفاقی بیفتد، چه تضمینی وجود دارد، که این تعریف منطبق بر حقیقت باشد؟

اگر هر کدام از نظریه‌های ارائه شده در مورد انسان در حد یک اعتقاد شخصی باقی می‌ماند، مسئله چندان مهم نبود. حتی اگر یک نظریه اجتماعی فقط در کتاب‌ها باقی می‌ماند و خاک می‌خورد، باز هم اهمیت چندانی نداشت. اما نکته تکان دهنده اینجاست که نظریه هر پژوهشگری نه تنها در عصر خودش بلکه تا دهه‌های متمادی مبنای تصمیم‌گیری، قانون‌گذاری و رفتارهای فردی و اجتماعی در جوامع مختلف قرار می‌گیرد و از آنجا که دانشمندان از نخبگان و خواص جامعه محسوب می‌شوند، عده کثیری از عامه مردم دیدگاه‌های آن‌ها را بی‌چون و چرا می‌پذیرند و با ذکر جمله «دانشمندان می‌گویند...» و یا «تحقیقات نشان داده که...» چشم و گوش بسته به دنبال آنها راه می‌افتند. چه انسان‌های بی‌گناهی که در طول تاریخ با طناب پوسیده یک نظریه اشتباه به ته چاه بدبختی و گمراهی سقوط کرده و تا آخر عمر نیز راه را پیدا نکرده‌اند. نمونه‌اش نظریات برتراند راسل فیلسوف انگلیسی و زیگموند فروید روانشناس اتریشی در رابطه با میل جنسی انسان و یا نمونه بسیار شدیدتر آن نظریات آلفرد کینزی زیست‌شناس آمریکایی که تمام ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی جهان را تحت تأثیر قرار داد.

## چه کسی صلاحیت دارد؟

برگردیم به پرسشی که مطرح کردیم:

چه کسی صلاحیت آن را دارد که در مورد چیستی انسان نظر بدهد؟

واقعیت این است که بعضی از ما آدم‌ها برای ماشین لباسشویی منزل مان بیشتر از خودمان ارزش قائلیم! وقتی یک ماشین لباسشویی جدید می‌خریم که طرز کارش را نمی‌دانیم، بدون مطالعه دفترچه راهنما دست به آن نمی‌زنیم، مبادا خراب شود و همه هزینه‌هایی که کرده‌ایم بر باد برود. ما **ایمان و باور قلبی** داریم که این ماشین لباسشویی تصادفی به وجود نیامده، کسی آن را ساخته و به همه **ابعاد وجودش** اشراف کامل دارد. بنابراین عاقلانه‌ترین کار این است که هر سؤالی داریم از سازنده‌اش بپرسیم. ما در این خصوص حتی لحظه‌ای شک نمی‌کنیم و اگر کسی غیر از این فکر یا عمل کند تعجب می‌کنیم. اما متأسفانه در مورد خودمان چنین دیدگاهی نداریم. هرکسی که از راه برسد به اسم محقق، پژوهشگر و دانشمند، هرچه بگوید، می‌پذیریم.

توضیح مطلبی که در ادامه می‌آید برای کسانی که به وجود خداوند اعتقادی ندارند، نیازمند ذکر مقدماتی است که فعلاً موضوع این مقاله نیست. شاید بعدها در مقالاتی به صورت جداگانه به این موضوع بپردازیم. اما برای کسانی که خداوند را خالق پدیده‌ای به نام انسان می‌دانند، از همان استدلالی کمک می‌گیریم که در بالا بیان کردیم:

همان‌طور که قابل‌اعتمادترین فرد برای اظهارنظر در مورد یک پدیده خالق آن پدیده است، بهترین مرجع برای اظهار نظر در مورد ماهیت حقیقی انسان نیز خداوند است. به جز خداوند یا نمایندگان او نظریات هر فرد دیگری چه دانشمند باشد و چه نباشد، یا کاملاً غلط است و یا بخش بسیار کوچکی از حقیقت را پوشش می‌دهد. با دانستن بخش کوچکی از حقیقت نمی‌توان برای حیات موجودی ابدی به نام انسان نسخه پیچید و دستورالعمل ارائه داد. چون در آن صورت هرکسی از زاویه نگاه خودش

به انسان می‌نگرد و سعی در تقویت یک بعد از وجود او دارد و این‌گونه است که تعادل روحی انسان به هم خورده و در باطن شبیه کسی می‌شود که سرش بزرگ‌تر از بقیه بدنش و یا یک دستش درازتر از دیگری باشد!

در طول تاریخ اغلب مکاتب بشری که عقل خود را برای شناخت انسان کافی دیده‌اند، با ارائه تعاریف تک بعدی انسان را زیرمجموعه یک دسته از جانوران معرفی کرده‌اند، که از هوش بالاتری برخوردار است. این تعاریف‌ها یا اشتباه‌اند و یا ناقص؛ زیرا هیچ‌کدام از این مکاتب برای فهم درست از ماهیت انسان به سازنده‌اش مراجعه نکرده‌اند. در حالی که فقط خداوند به عنوان خالق، قادر است کتاب وجود انسان را آن‌گونه که واقعاً هست شرح و تفسیر کند.

در رابطه با ابعاد مختلف وجود انسان از نگاه خالق او در مقالات بعدی بیشتر سخن خواهیم گفت. اما پیش از آن از شما دعوت می‌کنیم نظرات خود را پیرامون مطالب گفته شده با ما به اشتراک بگذارید.